



شاه مخالفانش را در قفس شیر گرسنه می انداخت

سیداحمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز جمعه این هفته با بیان اینکه یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی تغییر گفتمان بردگی، زیر سلطه بودن و تحت‌الحمایه بودن به گفتمان استقلال بود، گفت: «به صراحت می‌گوییم و افتخار می‌کنیم امروز مستقل‌ترین کشور جهان، جمهوری اسلامی ایران است.» او با بیان اینکه با انقلاب اسلامی گفتمان طاغوت و استبداد و خفقان تغییر کرد، گفت: «نسل بعد از انقلاب ندیدند که چه‌ها به این ملت گذشت. اوضاع چنین بود که اگر به شاه نمی‌گفتند اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر به جرم اهانت به زندان می‌افتادند. حتی اجازه نمی‌دادند که بر منبرها نام امام به زبان بیایند. حتی برخی از مخالفان شاه را در قفس‌های شیرهای گرسنه باغ وحش می‌انداختند.» خاتمی ادامه داد: «در این رابطه آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌گوید کسانی که قدر نظام جمهوری اسلامی را نمی‌دانند به این خاطر است که طاغوت را ندیده‌اند و خبر ندارند در آن دوره سپاه چه خبر بوده است و استبداد و دیکتاتوری حرف اول را می‌زد.»



ایران کشور الهام‌بخش دنیایمی‌شود

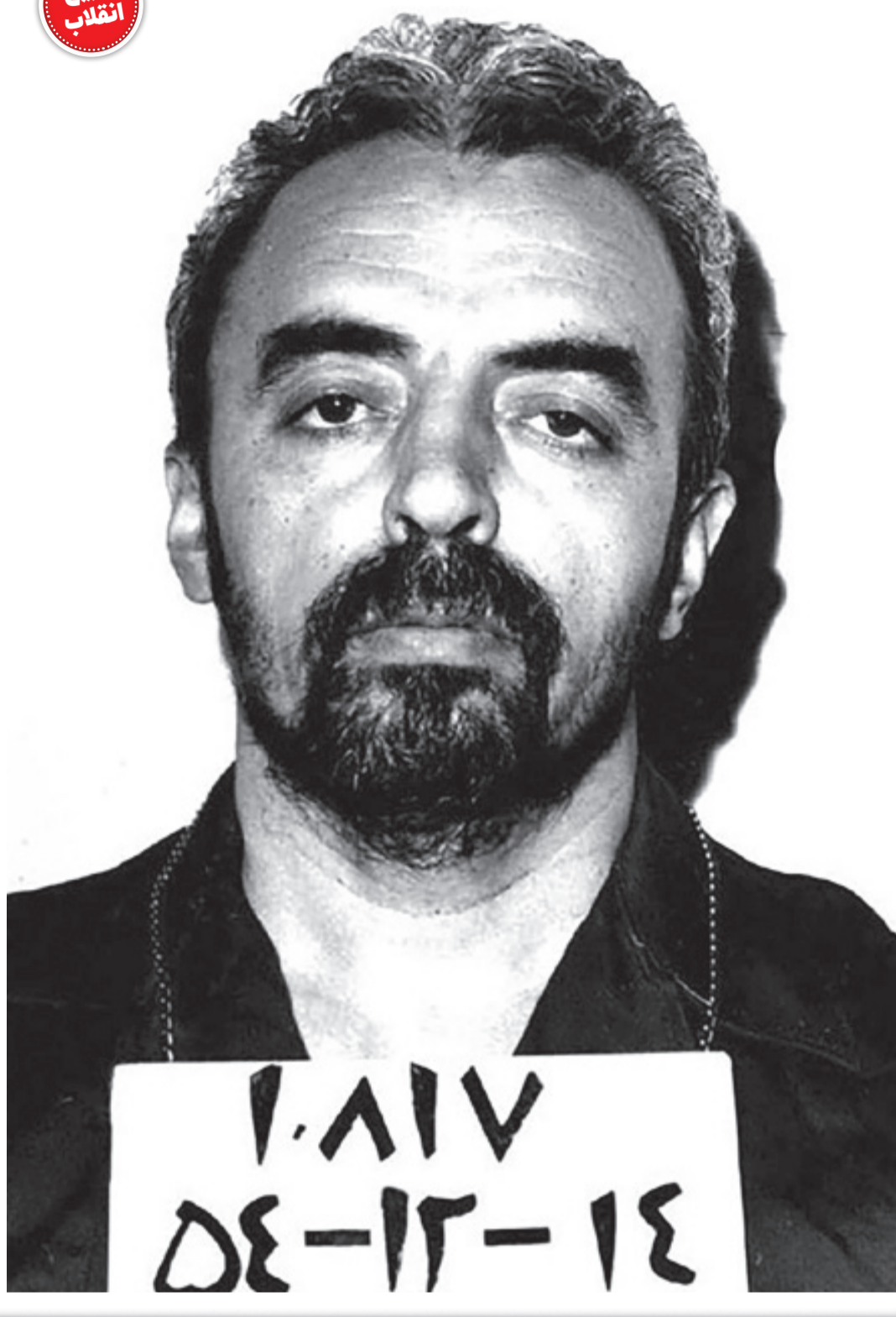
سردار رمضان شریف، سخنگوی سپاه در یادواره یکپزار و ۲۰۰ شهید مسجد سلیمان گفت: «راه سعادت کشور پیمودن راه شهداست، چون شهیدا اصلی‌ترین سرمایه خودشان که جان‌شان بود را تقدیم کردند و کسی که چنین می‌کند دارای آرمان‌های بلندی است. اگر این آرمان‌ها را امتداد دهیم، آینده کشور، امت اسلامی و آینده مردمان این سرزمین سعادت‌مندی است که روزبه‌روز بهتر خواهد شد.» او با اشاره به اینکه آنچه در گام نخست انقلاب پیمودیم، بسیار مستحکم است و گام دوم را بر ستون‌ها و پایه‌های گام اول استوار می‌کنیم، گفت: «به همت جوانان تیزهوش این ملت این راه را امتداد می‌دهیم و کشورمان را به‌عنوان کشور الهام‌بخش و نمونه در بین دنیا معرفی خواهیم کرد.»



شرکت در انتخابات حکم حکومتی است

علی سعیدی‌شاه‌رودی، رئیس دفتر عقیدتی و سیاسی فرمانده کل قوا در خطبه‌های نماز جمعه این هفته شاهرود ضمن بیان اینکه همگان برای حضور و مشارکت در انتخابات وظیفه دارند، گفت: «امروز چشم دنیا به انتخابات ایران دوخته شده و می‌کوشند تا از طریق مختلف مردم را از حضور در پای صندوق‌های رأی بازدارند.» او با بیان اینکه بنا به تعبیر رهبر معظم انقلاب راه خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان ایستادن پشت نظام و انقلاب است، افزود: «با حضور در پای صندوق‌های رأی می‌توان مهر باطل بر اقدامات دسیسه‌چینی غرب زد.» سعیدی‌شاه‌رودی ضمن بیان اینکه شرکت در انتخابات یک حکم حکومتی به شمار می‌رود، گفت: «مردم با مشارکت پرشور خود همچون سنوات گذشته در انتخابات پیشین می‌بایست به این وظیفه شرعی و قانونی خود عمل کنند. صلاحیت نامزدهای تأییدشده توسط شورای نگهبان زمانی اعلام شد که مردم با هوشیاری در مورد آنها تحقیق و با هوشمندی رأی خود را به صندوق بیاندازند.»

تاریخ انقلاب



بازاری انقلابی

بازخوانی کارنامه مبارزاتی حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان



شهریار صحاف

فعال سیاسی و رسانه‌ای

در میان انقلابیون ۵۷ از تپ‌ها و اصناف مختلف ملی‌گرا، مارکسیست، روحانی، چپ مذهبی، کارگر و بازاری حضور داشتند. وقتی از بازاریان انقلابی یاد می‌کنیم، خواه‌ناخواه اولین نامی که به ذهن متبادر می‌شود، حبیب‌الله عسگراولادی مسلمان است؛ چه آن‌که او از اولین بازاریان است که از بدو شکل‌گیری جریان انقلاب اسلامی به آن پیوسته است. او همراه با دوستان هیبتی، بازاری و هم‌درس خود ابتدا با راه‌اندازی هیبتی به‌نام «موید» و پس از آن با ائتلاف با قریب به ۲۸ گروه دیگر «هیبت‌های مؤتلفه اسلامی» را تأسیس و پای در مسیر امام و انقلاب نهادند و او تبدیل به شخصیتی می‌شود که امام خمینی او را «شخصی بسیار صالح، متدین، کارآمد و فداکار» خطاب می‌کند و او را «مورد وثوق» خود می‌داند. عسگراولادی در طول مبارزات انقلابی ۳ بار دستگیر شد و مجموعاً ۱۳ سال از عمر خود را در زندان شاه سپری کرد.

روزگار کودکی و نوجوانی

حبیب‌الله عسگراولادی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۱ در اتاقی اجاره‌ای واقع در کوچه صاحب دیوان تکیه زرگرهای محله امامزاده یحیی تهران، متعلق به خانواده‌ای مذهبی متولد شد. خانواده او تا پیش از تولدش ساکن دماوند بودند که به علت ورشکستگی پدر و زلزله دماوند ناچار به تهران آمده بودند. عسگراولادی بر خلاف سایر اعضای خانواده در انتهای نام خانوادگی خود پسوند مسلمان دارد که در برهه‌ای دست‌آویز جریان منافقین قرار گرفت. اما ماجرای این پسوند فامیلی این بوده که یک ضلع محله امامزاده یحیی متصل به محله یهودیان بوده و ثبت احوال برای صدور شناسنامه متولدین آن محله، دین نوزاد را بلافاصله بعد از نام خانوادگی ثبت می‌کرده. بعدها عسگراولادی با وجود امکان حذف این پسوند، از حذف آن امتناع می‌کند و داشتن پسوند مسلمان را جزو افتخارات خود ذکر می‌کند.

خانواده عسگراولادی تاشش‌سالگی او، ساکن تهران بودند و بعد دوباره به دماوند بازگشتند. او تا کلاس ششم ابتدایی را در دبستان امید دماوند با شرایط بد و سخت اقتصادی درس خواند. سپس برای امرار معاش به تهران آمد و در بازار دروازه تهران در سرای محیط در مغازه برنج‌فروشی به شاگردی پرداخت. مدتی نیز به صورت شراکت به کار خواروبارفروشی پرداخت و از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۳ در کار

خرید و فروش و توزیع برنج مشغول بود. در همین ایام با مرحوم شیخ محمدحسین زاهد از مدرسان مسجد امین‌الدوله آشنا و مجذوب می‌شود و نزد او شروع به خواندن دروس حوزوی می‌کند.

دستگیری اول در بدو فعالیت‌های سیاسی

عسگراولادی از سن شانزده سالگی فعالیت سیاسی خود را آغاز و در سال ۱۳۲۷ برای اولین بار دستگیر شد.

در سال ۱۳۲۷ آمریکا و انگلیس می‌پذیرند که یهودیان صهیونیست در فلسطین، دولت اسرائیل را بنا کنند. آیت‌الله کاشانی از مردم دعوت می‌کند تا با برگزاری تظاهرات و راهپیمایی نسبت به غصب سرزمین فلسطین و قبیله اول مسلمانان اعتراض کنند. عسگراولادی ۱۵ ساله نیز به دنبال همین تظاهرات دستگیر می‌شود که پس از سه روز آزاد می‌شود.

فعالیت‌های سیاسی عسگراولادی تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد در تجمعات اعتراض به تبعید آیت‌الله کاشانی، آشنایی با فدائیان اسلام، نواب صفوی و شرکت در مجالس آنان و قیام سی تیر ۱۳۳۱ و تشییع شهدای آن قیام خلاصه می‌شود.

کودتای ۲۸ مرداد و هیت موید

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست نیروهای مذهبی و ملی که فضای خفقان و یأس آلودی بر جامعه غالب می‌شود، عسگراولادی و برخی دوستانش که شب‌ها به تحصیل علوم دینی می‌پرداختند، تصمیم می‌گیرند هیئت موید را تأسیس نمایند تا به فعالیت‌های دینی و آگاهی‌بخشی مذهبی، رونقی دوباره دهند. همین هیئت از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد یکی از پایه‌های تشکیل هیئت‌های مؤتلفه اسلامی می‌شود. هیئت موید پنجاه عضو داشت و سخنرانان آن از میان اعضای بودند که دروس طلبگی خوانده بودند ولی مجلس به لباس روحانیت نبودند و این امر در آن زمان امر بدیعی بود.

هیئت موید بعد از این سال‌ها، به تدریج پیشرفت می‌کند و علاوه بر فعالیت‌های مذهبی، صندوقی خیریه با همان نام تأسیس می‌کند که کار آن کمک به ازدواج آسان و اسلامی بود. هیئت موید برای اینکه بتواند به امور خیریه، فرهنگی و دینی خود استحکام و استمرار بخشد و بنایی مالی را در این خصوص پی‌ریزی نماید، شرکت موید را برپا می‌کند. این شرکت روزی یک تومان از پنجاه عضو می‌گرفت، نیمی از آن را در کار اقتصادی هزینه می‌کرد و نیم دیگر را صرف امور خیریه و دینی می‌کرد. در همین هیئت عسگراولادی به مدت هفت سال در پای درس تفسیر قرآن کریم آیت‌الله سیدمحمد مصطفوی، شاگردی نمود و از علمایی چون وحید خراسانی، محمدتقی فلسفی و ناصر مکارم‌شیرازی بهره‌برد.

آشنایی و ارتباط با امام خمینی

شاید بتوان باب اول شناخت و آشنایی عسگراولادی و اعضای هیئت موید با امام خمینی را شیخ عبدالکریم حق‌شناس دانست؛ چراکه او از شاگردان اخلاق امام بود. او که تا پیش از فوت شیخ محمدحسین زاهد، یک روز در هفته در مسجد امین‌الدوله برنامه داشت و پس از فوت زاهد به جای او به امامت جماعت مسجد امین‌الدوله درمی‌آید، اصرار داشته به هر نحوی در صحبت‌های خود از امام خمینی یاد کند و جوانان را با ایشان آشنا و تشویق به دیدارشان کند. ضمن اینکه بعدها آیت‌الله کاشانی و مهدوی کنی نیز در آشنایی عسگراولادی با امام تأثیر داشته‌اند.

عسگراولادی به همراه دوستان خود در هیئت موید بعد از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی نزد امام می‌روند و برای اولین بار با ایشان ملاقات می‌کنند. ارتباط آن‌ها با امام خمینی از همین دیدار شروع می‌شود و به گرمی می‌گراید.

تشکیل هیئت‌های مؤتلفه اسلامی

در رفت و آمدهای عسگراولادی و اعضای هیئت موید به قم و دیدار با امام، ایشان به آنان می‌گویند: «آن طور که من راجع به شما شناخت دارم همه برای خدا کار می‌کنید. همه به قیامت معتقدید. همه به نبوت و امامت معتقدید. همه برای عظمت اسلام و عزت مسلمین کار می‌کنید. پس چرا پراکنده باشید؟ چرا با هم کار نکنید؟» بنابراین آن‌ها را با جوانان مبارز و مسلمان دیگری آشنا می‌کند. نطفه هیئت‌های مؤتلفه اسلامی در آنجا بسته می‌شود. در آغاز ۱۸ گروه و در ادامه ۲۸ گروه در این ائتلاف شرکت می‌کنند. به درخواست آنان، امام پنج روحانی مورد وثوق خود را برای مواقعی که دسترسی به امام میسر نبود، معرفی می‌کند که شهید بهشتی، شهید مطهری و آیت‌الله انواری از آن جمله بودند. بدین ترتیب نمایندگان حضرت امام از روحانیت در مؤتلفه اسلامی مشخص شد و جلسات دوازده‌نفره شورای مرکزی با حضور این بزرگان تشکیل می‌شود. کم‌کم مؤتلفه اسلامی در وضعی قرار گرفت که لزوم تدوین یک اساسنامه احساس می‌شد، به همین خاطر شهید باهنر مقدمات این اساسنامه را فراهم کردند. در همین دوران و از فروردین ۱۳۴۳ عسگراولادی از طرف امام به عنوان یکی از نمایندگان او برای اخذ وجوهات شرعی منصوب می‌شود و دستگیری عسگراولادی در تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۱۱ این نمایندگی ادامه می‌یابد (این نمایندگی مجدداً در تاریخ ۱۳۴۶/۱۲/۱۴ طی حکم کتبی از طرف امام به او داده می‌شود)

دومین دستگیری

عسگراولادی به دلیل پخش اعلامیه در مسجد فخریه در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۲ به همراه چهار نفر دیگر هنگام شرکت در مراسم ختم سیدابوالقاسم علوی بروجردی، پدر داماد آیت‌الله العظمی بروجردی، برای بار دوم بازداشت می‌شوند. از این